پدیدارشناسی مکان در عکاسی مکان نگاری نوین

عفت السادات افضل‌طوسی*
فاطمه یوسفی**

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۵
تاریخ پذیرش: ۹۹/۲/۲۱

چکیده

این پژوهش با رویکرد پدیدارشناسی مکان به بررسی مکان در دوران معاصر که توسط هنرمندان عکاسی مکان‌نگاری نوین به تصویر کشیده شده، می پردازد. این شیوهٔ عکاسی در پی گسترش شهرنشینی و تصرف انسان در فضاهای بکر طبیعت، توانست واقعیت‌هایی را درباره تخریب زمین آشکار سازد و جایگاه خود را به عنوان عکاسی جسورانه به رخ کشد. این پژوهش با توجه به ضرورت وجود و شناخت این شیوه از عکاسی در هنر معاصر، در پی پاسخ به ویژگی‌های مکان در این سبک از عکاسی با استفاده از چهارچوب نظری پدیدارشناسی مکان از دیدگاه نوربرگ- شولتز، با این فرض که این شیوهٔ عکاسی با نگاه انتقادی به محیط زیست نگاه پدیدارشناسانه داشته، معانی جدیدی از آن را ارائه کرده است. این پژوهش به روش تحلیلی و توصیفی، به کشف این معانی میپردازد. به نظر می‌رسد مکان‌نگاری نوین در عکاسی همچون انعکاسی از بی‌هویتی و روح مکان در دوران معاصر است و هنرمندان با ثبت مکان انسان معاصر با کنکاش در تخریب محیط زیست، هنر عکاسی را به تاریخ مکان پیوند داده‌اند.

کلید واژه‌ها: عکاسی، مکان‌نگاری نوین، پدیدارشناسی مکان، کریستیان نور برگ ـ شولتز

*. دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول). Email: afzaltousi@alzahra.ac.ir
**. دانشجوی ارشد گرافیک دانشگاه الزهرا. Email: Sharareh-yousefi@yahoo.com

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

مقدمه

مکان‌نگاری[1] یکی از شیوه‌های عکاسی است که با رویکردی مستندگونه به بررسی و واکاوی مناظر و چشم‌اندازهای روی زمین از جنبه‌ای ویژه می‌پردازد. می‌توان گفت این کنجکاوی در شناخت فضای پیرامون از رنسانس آغاز شده و با اختراع دوربین عکاسی گسترش یافت. از اولین فریم عکس که به نوعی مکان‌نگاری است (از ژوزف نیسفورنی پیپس[2] که از پشت‌بام منزلش گرفته شد)، تا اقدام سیاستمداران فرانسوی برای بررسی و دیدن مناطقی از فرانسه توسط عکس و همین‌طور کشف مناطق تحت استعمار خود، دوربین عکاسی بهترین ابزار برای پاسخگویی به بسیاری از پرسش‌های تاریخی و سیاسی و علمی بوده است. لذا چه بسا بتوان گفت، در دنیای معاصر با تحولات و تغییرات شگفت‌انگیز و اغلب ناخوشایند، کاربردی‌ترین ژانر عکاسی، مکان‌نگاری است. زیرا این شیوه امکان تماشای جهان پیرامون را باموشکافی بسیار بدست می‌دهد.

مکان‌نگاری نوین[3] پیرو توسعه شهرنشینی، مراکز صنعتی و نیز راه‌های ارتباطی در پیوند دادن شهرهای بدون ضابطه در دهۀ ۱۹۷۰م. شکل گرفت. اگر مکان‌نگاری به دیدن مناظر دست‌نخورده پیرامون شهر می‌پرداخت، اکنون با توسعۀ شهرها و از بین رفتن جنگل‌ها و جایگزینی خانه به جای درخت، به تصویر کردن مناظری که توسط بشر تخریب شده‌اند می‌پردازد. با توجه به رویکرد انتقادی که این ژانر دارد، عکاسی می‌تواند بستری مناسب برای توجه بیشتر به میزان همبستگی جوامع برای بهبود عملکردشان به منظور حفظ محیط زیست فراهم آورد.

لذا این مقاله بر آنست که با بررسی عکاسی مکان‌نگاری نوین، رویکرد انسان به مکان و محیط زیست را در عکس‌هایی از نمایشگاه مکان‌نگاری نوین (۱۹۷۶)، از منظر پدیدارشناسی[4] مکان در آراء کریستیان نوربرگ ـ شولتز[5] تحلیل کند.

با توجه به آراء شولتز در معماری و مکان، می‌خواهیم بدانیم مفهوم مکان در تصاویر این عکاسان چطور معنا شده و روند نگاه این عکاسان به تخریب طبیعت چگونه است. عکاسان با رویکرد خود چه معنایی به فضا می‌دهند و چگونه آن را تبدیل به مکان می‌کنند؟ این پژوهش به صورت توصیفی، تحلیلی، و به استناد منابع کتابخانه‌ای، نمونۀ عکس‌های شیوۀ مکان‌نگاری نوین از نمایشگاه ۱۹۷۶ در نیویورک را به صورت هدفمند انتخاب و با رویکرد پدیدارشناسی مکان در آراء شولتز تحلیل می‌کند.

چهارچوب نظری

مکان جایی است که انسان در آن احساس بودن داشته باشد، هیچ تحمیل و گریزی در آن نباشد، با انسان به عنوان بخشی از طبیعت بتواند ارتباط مناسب برقرار کند و هویت خود را به انسان نیز بدهد. در دنیایی زندگی می‌کنیم که مفهوم مکان بواسطۀ دخل و تصرف انسان در طبیعت بدون آگاهی و شعور طبیعی، باعث بوجود آمدن چالش‌هایی در درک ما از فضا و مکان شده است. عکاسان با تولید تصویر از مکان‌هایی که انسان در آن دخل و تصرف کرده، حضور انسان را در طبیعت به گونه‌ای دیگر اعلام می‌کنند. لذا با عکاسی از مکان یا منظره‌ای از محیط زیست به عنوان یک پدیده، همچون آب و خاک، مورد توجه و تفسیر قرار می‌گیرد. از این‌رو با رویکرد به آراء کریستیان نوربرگ- شولتز در مورد پدیدارشناسی مکان و دیدگاهش نسبت به منظره، به یافتن و واکاوی جنبه‌های پنهان مکان و منظره از دید هنرمندان معاصر در عکاسی مکان‌نگاری نوین می‌پردازیم.

نوربرگ ـ شولتز معمار، منتقد، نظریه‌پرداز و استاد تاریخ معماری معاصر است. وی چندین کتاب نوشته که نمایانگر آراء او در پدیدارشناسی و معماری است. او معماری را از منظر روان‌شناسی مورد تحلیل قرار می‌دهد.

«نظریه‌های طراحی اغلب از جنبش‌های بزرگ فلسفی و فرهنگی الهام گرفته می‌شوند. همانطور که در نظریۀ شولتز استفاده از پدیدارشناسی و کاربرد آن در دانش زیست محیطی بیان شده است. او به منظور گسترش نقد از معماری و شهرسازی مدرن، به آراء پدیدارشناختی ادموند هوسرل[6] و مارتین هایدگر[7] می‌پردازد و خواستار بازگشت به طراحی مبتنی بر مکان

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

می‌شود» (Larice & MacDonald,2013: 272).

از دید شولتز هر موجودی دارای روح خاص خود و هر مکان ویژگی و خصلت خاص خود را داراست که او آن را روح مکان می‌خواند. با توجه به رویکرد شولتز به آراء هایدگر در مورد جهان و مکان، در سال ۱۹۸۰ کتاب *روح مکان* یا Genius Loci را نوشت ـ که بیش از سه دهه مورد توجه منتقدین و متفکران در حوزهٔ معماری قرار گرفته است.» (Willken,2013:1).

این کتاب که در مقالات و رساله‌ها مورد نقد قرار گرفته، پایه بحث در مورد روح مکان‌های مختلف گشت. در مقالهٔ حاضر نیز روح مکان و ویژگی‌های آن در عکس‌هایی از مناظر انسان- ساخت در طبیعت، بررسی می‌شوند.

ادوارد رلف[۸] (۱۹۴۴) جغرافیدان کانادایی بر این عقیده است که: «مکان ترکیبی از جا، منظر، آیین، مسیر، افراد دیگر، تجربه شخصی، اهمیت دادن و پاسداری از کاشانه و زمینه‌ای برای دیگر مکان‌ها است و فهم مکان می‌تواند منجر به احیاء و نگهداری مکان‌های موجود و خلق مکان های جدید گردد» (Relph T 1976 29 : میرغلامی، آیشم (۱۳۹۵: ۷۰).

رلف هم‌زمان با شولتز در مورد مکان نگاشته است لذا از آراء ادوارد رلف دربارهٔ نامکان، نیز در این نوشتار که به گمان نگارنده تکمیل‌کنندهٔ بحث پدیدارشناسی مکان در عکاسی مکان‌نگاری نوین است، استفاده شده است. رلف به بی‌مکانی اشاره می‌کند. برخی عکس‌های این سبک عکاسی بر پایهٔ این نظریه بررسی و تفسیر می‌شوند.

پیشینهٔ تحقیق

علم پدیدارشناسی مورد توجه بسیاری از معماران و در زمینهٔ شهرسازی بسیار پر کاربرد است. در این زمینه کتب و مقالاتی نوشته شده از جمله کتاب‌ها در این زمینه: *پدیدارشناسی مکان* نوشتهٔ پروین پرتوی(۱۳۹۲) وکتاب *روح مکان* نوشتهٔ کریستیان نوربرگ- شولتز (۱۳۸۸) است. کتاب مجموعه *مقالات «نشانه‌شناسی مکان»* (۱۳۹۰) به کوشش فرهاد ساسانی مقالاتی در تحلیل وتفسیر مکان دارد که در این مقاله نیز استفاده شده است. همچنین در کتاب *نشانه -معناشناسی دیداری* از دکتر حمیدرضا شعیری (۱۳۹۷) در یک بخش از ویژگی‌های نشانه‌شناسی مکان بحث شده است.

حسین کاشی و ناصر بنیادی در مقالهٔ «تبیین مدل هویت مکان ـ حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن» (۱۳۹۲)، به بررسی هویت و معانی مشترک آن و حس مکان (رابطه انسان و مکان) می‌پردازد و با بررسی نمونهٔ پژوهشی پیاده راه شهر ری، به این نتیجه می‌رسد که حس مکان و هویت مکان به طور مساوی روی هم اثر گذارند. مرتضی بیگ‌لو و شیرین بزرگمهر به بررسی پدیدارشناسی «مکان و نامکان در دو نمایشنامه پلکان و سنگ روی سنگفرش خیس اکبر رادی» می‌پردازند. در این مقاله مکان (رابطه‌مند و دارای تاریخ) و نامکان (تهی از هویت و تاریخ) تعریف شده است. انسان امروزی که مکان را به نامکان تبدیل کرده و در جستجوی هویت خویش است، سرگردان و بی پناه پرسه می‌زند. لیلا مدقالچی و مجتبی انصاری در مقالهٔ «روح مکان در باغ ایرانی» (۱۳۹۳) اجزای مکان، روح مکان طبیعی، عناصر و ساختار باغ ایرانی و رابطهٔ انسان و طبیعت را با رویکرد پدیدارشناسانه بررسی می‌کنند و با بیان اینکه مفهوم مکان با ساختار و معنا شکل می‌گیرد، باغ ایرانی را حامل روح مکان می‌دانند. محسن تابان و همکاران در مقالهٔ «هویت و مکان» (۱۳۹۱) نحوهٔ شکل‌گیری هویت مکان را مورد بررسی قرار داده و با توجه به اینکه تراکم فضا و مکان، هویت را گرفته ابتدا هویت را در روان‌شناسی اجتماعی بررسی و سپس در معماری و پدیدارشناسی هویت مکانی را مورد پژوهش قرار می‌دهند.

تعدادی مقاله به انگلیسی با عناوین مرتبط به روح مکان نوشته شده که تنها برخی مستقیماً در مورد آراء کتاب معروف نوربرگ ـ شولتز است و غالب آن روح مکان را در مکان‌های مورد نظر محقق بررسی کرده است. در ذیل این مطلب به مواردی اشاره می‌شود. رسالهٔ دکتری هندریک اندرس اورت «اهمیت مکان در معماری، نقدی بر برداشت‌های معماری کریستیان نوربرگ ـ شولتز از فلسفه مارتین هایدگر» (۲۰۱۵) در رشتهٔ فلسفه نگاشته شده است. مقالهٔ «حس مکان در توسعه متن» (۱۹۹۸) از روبرت هی، حس مکان را در

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

جامعه، محیط و خانواده، با آمارگیری از مهاجران در اروپا و اقوام اروپایی و کودکان بررسی کرده است. مقالهٔ «مقایسه مفاهیم حس مکان و دلبستگی به مکان در مطالعات معماری» (۲۰۱۳)، نوشته حسن هاشم نژاد و همکاران، مفاهیمی مانند دلبستگی به مکان، حس مکان، معنی مکان، هویت مکان و ... بررسی شده‌اند. در تمام این مفاهیم جنبه‌های مختلفی از تعامل بین انسان و مکان و تأثیرگذاری مکان‌ها بر مردم ارائه شده و در نتیجه دلبستگی مکانی یکی از زیر مجموعه‌های حس مکان است. مقالهٔ «حس مکان و پیوست مکان» (۲۰۱۳) نوشته هاشم هاشم‌نژاد، و همکاران، تعریف کاملی از مفاهیم حس وابستگی به مکان و در نتیجه درک جنبه‌های اساسی احساس مکان که می‌تواند در ارزیابی سطح دلبستگی عمومی برای گرایش مردم به مکان‌ها موثر باشد، پرداخته است. مقالهٔ «حس مکان در منظره و بستر فرهنگی» (۲۰۱۳) نوشته نیک مستورا نیک محمدو همکاران، به بررسی عناصر منظره در بستر فرهنگ پرداخته شده است. این مقاله در پی پاسخ به درک تجربهٔ مردم از مکان‌شان بر اساس فرهنگ است. در نتیجه مکان‌ها دارای سطوح مختلفی از حس مکان هستند که بر اساس روابط بین آنها و فعالیت‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و گذشت زمان باعث ایجاد احساس قوی مکان می‌شود.

در این مقاله می‌خواهیم به مفهوم مکان در سبکی از عکاسی بپردازیم که دغدغهٔ مکان و منظره معاصر را دارد. سبک مکان‌نگاری نوین تصاویری گویا از توصیف مکان‌هایی است که معنای اصلی خود را از دست داده و با تحلیل این تصاویر از دریچه پدیدارشناسی مکان می‌توان معنای نهفته در آنها را درک کرد.

پدیدارشناسی مکان

پدیدارشناسی معادل واژه‌ی لاتین فنومنولوژی (Phenomenology) مرکب از دو واژهٔ فنومن به معنای پدیده یا پدیدار و لوژی به معنای شناخت، مکتبی است که با تأکید بر وجوه التفاتی ذهن و با هدف منظم ساختن فلسفه به‌طورکلی و فلسفه شناخت به‌طور اخص توسط ادموند هوسرل پایه‌گذاری شد. این مکتب در پی آن است که با تفکیک آگاهی با واسطه و بی واسطه از یکدیگر، آگاهی انسان را از پدیدارهای ذهنی که بدون واسطه در ذهن وی ظاهر می‌شوند و ممکن است حتی عینیتی هم نداشته باشند، مورد مطالعه قرار دهد (دهقانی ناژوانی ،۱۳۹۳: پژوهشکده باقرالعلوم). Url۱

پدیدارشناسی با نام ادموند هوسرل به آراء فلاسفه دیگر پیوند دارد . مارتین هایدگر (۱۹۷۶- ۱۸۸۹) از پدیدارشناسان پسا هوسرلی است که در کتاب *هستی و زمان* در مورد مکان نیز بحث کرده است. اگر چه بحث روح مکان با هگل[۹] آغاز می‌شود، از دید هایدگر؛ وجود انسانی که او آنرا دازاین (Dasiein) /جاستی می‌خواند مکان‌مند است. هایدگر پژوهش مکان‌مندی دازاین را در سه مرحله: ۱. مکانمندی هستندهٔ دردستی درون جهانی ۲. مکان‌مندی در جهان ـ هستی ۳. مکان‌مندی دازاین و مکان، می‌داند (هایدگر، ۱۳۹۲: ۱۳۶). از دید گاه او : «مکان‌مندی آن خصلت‌های دوری‌زدایی و جهت‌داری را نشان می‌دهد» (همان :۱۴۰). به بیان ساده‌تر انسان موجودی اساساً مکان‌مند است و در این مورد دوری و نزدیکی و جهت و زمان‌مندی در ایجاد این حس مؤثر است.

بدین ترتیب از دیدگاه پدیدارشناسانه ظاهر شدن و پدیدار شدن عالم منوط به توجه و التفات ذهن انسان به آن است. بازگشت به سوی خود اشیاء شعار اصلی پدیدارشناسی است. دیدگاه پدیدارشناسانه می‌گوید که ذهن ما شرط ظهور و پدید آمدن آن عالم است و عالم همین ظهور و پدیده‌ای است که برای ما وجود دارد (ریخته‌گران، ۱۳۸۰: ۶). پدیدارشناسی بر وحدت زندگی و مکان تأکید دارد، چنانچه به زعم شولتز، مکان را نمی‌توان به وسیلهٔ مفاهیم تحلیلی و علمی شرح داد، زیرا علم امور را به قالب انتزاعی در آورده و با آن دانش عینی را شکل می‌دهد (ذاکری، ۱۳۸۸: ۵۶). فضا و مکان از مباحث اساسی در معماری است و در مورد آن تعاریف متفاوتی وجود دارد. در تحلیل مکان وجود انسان الزامی است چرا که او به مکان معنا می‌دهد. مکان بخشی از فضا است که توسط انسان و روابطش دارای معنا میشود. در جواب این سؤال که پدیدارشناسی چیست می‌توان گفت در پدیدارشناسی به مکان رجعت

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

می‌کنیم به مفهوم اصلی هر آنچه مورد مطالعه است.

از دید شولتز، مکان چیزی بیش از جایگاهی تجریدی است. منظور کلیتی از چیزهای عینی است که دارای مصالح مادی شکل، بافت و رنگ است. این چیزها یک خصلت محیطی را تعیین می‌کنند که اساس مکان است. در کل یک مکان دارای یک خصلت یا جو است. یک مکان از این رو یک پدیدار کیفی و کلی است که نمی‌توانیم آن را به هیچ یک از خصوصیاتش مثلاً نسبت‌های فضایی بدون از دست دادن ماهیت عینی آن فرو بکاهیم (نوربرگ ـ شولتز، ۱۳۸۸: ۱۷). در زبان انگلیسی معنای واژۀ «مکان» گسترده به کار می‌رود ، می‌توان آن را به معنای محل، جایگاه و موقعیت یک فرد در جامعه یا تعیین کردن احساسات شخصی برای محلی مانند اتاق، دفترکار یا شهر دانست. در حالت دوم از منظر شولتز، مکان مخزن معنا و هر جا که مفهوم سکونت را بدهد است (Hay,1998 :5-6). لذا از دیدگاه شولتز مکان دارای ویژگی‌هایی است که در ذیل این مطلب ابتدا بدان پرداخته سپس به تحلیل روح مکان در عکاسی مکان نگاری نوین با توجه به آراء ذکر شده می‌پردازیم.

۱. ساختار مکان

فضا توسط مکان دارای معنا می‌شود. شولتز در کتاب *روح مکان* ساختار مکان را اینگونه بیان می‌کند: ساختار مکان به صورت تمامیت‌هایی محیطی ظاهر می‌گردد که در برگیرندۀ وجوه خصلت و فضا است. چنین مکان‌هایی به منزلۀ کشورها، منطقه‌ها، مناظر، قرارگاه‌ها و ساختمان‌ها شناخته می‌شوند (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۸: ۲۷). در ساختار مکان می‌توان گفت همانطور که فضا با چشم‌انداز واجد معنا می‌شود مکان نیز با این دو، معنا می‌یابد. ساختار هر مکان هویت و فرهنگ آن منطقه را نیز آشکار می‌کند. در واقع هویت بر ساختار مکان اثرگذار است چنانچه فرهنگ بومی مناطق بر روند شکل‌گیری جوامع و توسعه آن اثر گذارند، ساختار مکان نیز از این منبع سرچشمه می‌گیرد.

۲. حس مکان

از نظر شولتز حس مکان در مکان‌هایی یافت می‌شود که دارای شخصیتی مشخص و متمایز هستند (دارای هویت مکان) و این شخصیت مشخص از چیزهای ملموس که دارای مصالح، شکل، بافت و رنگ هستند ساخته شده است (کاشی، بنیادی ،۱۳۹۲: ۳). حس مکان باعث هماهنگی و کارکرد مناسب فضای معماری و انسان است و سبب احساس امنیت و لذت و ادراک عاطفی افراد می‌شود به احساس تعلق افراد به آن مکان کمک می‌کند (فلاحت، ۱۳۸۵: ۵۹). در نتیجه می‌توان گفت حس مکان با گذشت زمان به دست می‌آید و طبق نظر شولتز در کیفیت زندگی انسان مهم است لذا حس مکان در نتیجۀ تعامل انسان و زندگی اوست. حس مکان در تداوم سکونت برای انسان مهم است و دلبستگی و احساس عاطفی در انسان را بر می‌انگیزد و البته می‌تواند توسط باورها و رفتارها تحت تأثیر قرار بگیرد.

۳.کاراکتر مکان

به گفتۀ پرتوی نوربرگ-شولتز در مقالۀ «پدیده مکان» (۱۹۹۶) دربارۀ کاراکتر مکان می‌نویسد: «اعمال گوناگون، مکان‌هایی با کاراکترهای گوناگون را می‌طلبد. یک واحد مسکونی باید حفاظت کننده باشد. یک اداره، کارا و عملی، یک سالن رقص شادی‌بخش و یک کلیسا باید مقدس باشد. وقتی از یک شهر خارجی بازدید می‌کنیم، معمولاً تحت تأثیر کاراکتر خاص آن قرار می‌گیریم که خود بخشی مهم از تجربه ما از آن شهر است» (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۱۲). در نتیجه می‌توان گفت در کاراکتر مکان فرم و محتوا باید دارای هماهنگی و همخوانی باشد. ویژگی خاصی که موجب بروز کاراکتر مکان می‌شود همانا ترکیبی از توانایی معمار در معنا بخشیدن به مکان و درک آن توسط مخاطب است.

۴. روح مکان[۱۰]

روح مکان بواسطۀ حضور انسان و بنای ساخته شده توسط او شکل می‌گیرد. چنانکه شولتز می‌نویسد: هر موجودی روح مخصوص به خود را دارد که بر این اساس خصلت ویژۀ خود را تحصیل می‌کند و انسان همچون

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

هستنده‌ای وجودی که زندگی‌اش وقوع پیدا می‌کند نیازمند درک روح مکان است. اما چنین درکی نیازمند گشودگی بر محیط، دریافت خصوصیات آن و حاضر ساختن آنها در اثر معماری است که عینیت و خصلت ویژه‌ای داراست. بنابراین، انسان با افراشتن بناها و معماری کردن، روح مکان سایت موجود را آشکار می‌سازد (نوربرگ -شولتز، ۸:۱۳۸۸). معمار وظیفه دارد برای انسان مکانی با معنا ایجاد کند تا مطلوب زندگی او باشد. از دست دادن روح مکان باعث عدم برقراری حس مشارکت در انسان و محیط می‌شود. انسان‌ها از هم دور می‌شوند چرا که به یک کلیت تعلق ندارند. روح مکان باعث ایجاد سکونت و تداوم حضور در مکان می‌شود.

۱. ۴. روح مکان طبیعی

شولتز تعریف روح مکان را در طبیعت تحت عنوان روح مکان طبیعی بسط داده است. او بر آن است که بحث ما دربارهٔ پدیدار مکان طبیعیِ گونه‌های پایه‌ای بسیاری از عوامل طبیعی را که عموماً به زمین و آسمان مرتبط‌اند، یا بیان‌کنندهٔ تعامل دو عنصر پایه‌ای هستند، پوشش نمی‌دهد. به علاوه، بحث ما حاکی از آن است که در بعضی مناطق آسمان می‌تواند به صورت عاملی غالب ظاهر شود، در حالی‌که در دیگر مناطق زمین حضوری بنیادین دارد (نوربرگ-شولتز،۱۳۸۸: ۶۶). از منظر شولتز مناظر به چهار دسته تقسیم شده‌اند. او با رویکردی پدیدارشناسانه مبتنی بر چهارگانه از مکان‌های طبیعی در زمینهٔ کیفیت‌هایی چون کاراکتر، نور و ریتم‌های روزانه و فصلی ارائه داده است. این تعاریف ما را در فهم روح مکان یاری می‌کند: منظرهٔ کلاسیک: محیطی که از نظر تنوع و تداوم در توازن قرار دارد و به بهترین وجه در چشم‌اندازهای یونانی دیده می‌شود. مناظر رمانتیک: محیطی مملو از تغییر، تنوع و جزییات محیطی که به بهترین نحو در جنگل‌های اسکاندیناوی تحقق می‌یابد. منظرهٔ کیهانی: محیطی با عرصه‌ای وسیع و توام با یکنواختی تداوم و امتداد محیطی که به بهترین نحو در بیابان تجلی می‌یابد. منظرهٔ مرکب: ترکیبی از سه چشم‌انداز اول و در نهایت بهترین نشان دهنده مکان‌های واقعی. مکان‌هایی که خالص نیستند و برای تشریح و بیان طبیعی خود ترکیب شده‌اند (پرتوی: ۱۳۹۲: ۸۱).

در شرح جایگاه روح مکان از منظر نوربرگ-شولتز، چهار اصل بررسی شده است: «توپوگرافی سطح زمین»، «شرایط نور»، «کیهان شناختی» و «آسمان» به عنوان شرایط طبیعی و ساختمان‌های واجد معانی وجودی در منظر فرهنگی. این ویژگی‌ها از گردش سالانه زمین تأثیر گرفته و مکان نیز تابع همین تغییر و تحولات است (Jiven&larkham,2003: 70-71). در نتیجه، حس مکان جزء و تابعی از طبیعت است که زمان آن را تأویل و تفسیر می‌کند. ما همواره در معرض تغییر محیط ساخته شده به دست خود هستیم. در این برداشت شولتز روح مکان را در موقعیتی طبیعی قرار می‌دهد و حس مکان در فضای انسان‌ساز متأثر از روح مکان طبیعی است.

فضا از منظر پدیدارشناسی

از آنجا که در تعریف مکان، فضا نیز دخیل است به توصیف کوتاهی درباره معنای فضا از دیدگاه نظریه‌پردازان پدیدارشناسی می‌پردازیم. شولتز فضا را به فضاهای پراگماتیک[۱۱]، ادراکی[۱۲]، وجودی[۱۳]، شناختی[۱۴] تقسیم‌بندی می‌کند. فضای پراگماتیک، انسان را با محیط طبیعی و ارگانیکش ترکیب می‌کند، فضای ادراکی برای هویت انسان به عنوان یک شخص، ضروری است، فضای وجودی، انسان را به کلیت فرهنگ و اجتماعش متعلق می‌کند، فضای شناختی یعنی این که انسان قادر است در مورد فضا فکر کند و فضای منطقی وسیله‌ای در اختیار انسان می‌گذارد تا دیگران را مورد قضاوت قرار دهد (مقیمی، ۱۳۹۶: ۸۲).

رلف فضا را تجربهٔ محسوس انسان می‌داند و در کتاب *مکان و نامکان* می‌نویسد: «فضایی که ما از آسمان، دریا، منظره‌ها و یا شهری که از ساختمان بلندی آن را مشاهده می‌کنیم، فضای خیابان‌ها و ساختمان‌هایی که از بیرون دیده و یا از داخل تجربه می‌شوند، نقشه‌ها، پلان‌ها، تصاویر کیهان‌شناسی و فضای ما بین ستارگان، فضای در تملک اشیاء و یا فضای تحت اختیار کشورها و یا فضای وقف شده برای خدایان، همه و همه نتیجه تجربه‌ها و درک ما از فضا است (Relph ,1976: 8) بنابراین می‌توان گفت فضا گستره‌ای نامحدود است که

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

به واسطهٔ سازه و مکان برای انسان دارای معنا می‌شود.

عکاسی مکان‌نگاری نوین

«تفکر مکانی تفکری است وابسته به احساسات و عواطف ، عواطفی که ریشه در حضور فعال سوژه در مکان دارند.» (Parret ,2008:2009 شعیری، ۱۳۹۷: ۲۴۴). عکاسی مکان‌نگاری نوین در سال ۱۹۷۶ به کوشش ویلیام جنکینز[۱۵] در موزه بین‌المللی عکاسی و فیلم جورج ایستمن نیویورک آغاز شد. این عکس‌ها شامل عکس‌هایی از مناظر شهری و چشم‌اندازهای تغییر یافته بود. در این نمایشگاه، هشت هنرمند آمریکایی: رابرت آدامز[۱۶] ، لوئیس بالتز[۱۷]، جو دیل[۱۸]، فرانک گوهلکه[۱۹]، نیکلاس نیکسون[۲۰]، استیفن شور[۲۱]، هنری وسل جونیور[۲۲] و هم‌چنین زوج آلمانی هیلا بخر[۲۳] و برند[۲۴] بر آن شدند تغییراتی که انسان در محیط زیست بوجود آورده را نشان دهند (لانگفورد، ۱۳۸۶: ۱۹۹). مکان‌نگارهای نوین در عکاسی از مناظر صنعتی نوعی پرسشگری اجتماعی و زیست محیطی نیز داشتند که در فرم نمود پیدا نمی‌کرد (ولز، ۱۳۹۰: ۳۴۵).

عکاسان مکان‌نگاری نوین می‌خواستند بدون پیش داوری و بدون در نظر گرفتن احساسات به پیشواز ثبت طبیعت با روشی مستند گونه بروند. می‌توان مکان‌نگاری نوین را نقطهٔ چرخش دیدگاه عکاسان منظره در دهه‌های اخیر دانست. این سبک به بیان چشم‌اندازهایی می‌پردازد که بر اساس فرهنگ ساکنان آن خطه از محیط زیست دگرگون شده و تغییر شکل یافته است، پس بیشتر توجه ما را به سمت مسئولیت‌پذیری زندگی خویش معطوف می‌کند.

تحلیل داده‌ها؛ بررسی مکان و منظره درعکس‌های مکان‌نگاری نوین

اکنون به بررسی عکس‌هایی از عکاسان مکان‌نگاری نوین که در نمایشگاه مکان‌نگاری نوین در سال ۱۹۷۶ حضور داشتند، طبق آراء پدیدارشناسی مکان و منظره از دیدگاه شولتز، پرداخته و در جهت تکمیل نگاه پدیدارشناسانه متناسب با این سبک عکاسی، به مفهوم نامکان در منظر ادوارد رلف، می‌پردازیم این عکاسان مکانی که در آن زیست می‌کنند را از نگاه خود معنا و مناظر دست‌کاری شده اطرافشان را تصویر کرده‌اند.

۱. حس مکان

پرتوی به نقل از شولتز (۱۹۹۶) حس مکان را این‌گونه تعریف می‌کند: «در طی تاریخ حس مکان، یک حقیقت زنده باقی مانده است اگرچه ممکن است چنین نامیده نشده باشد. شولتز حس مکان را پدیده‌ای کلی با ارزش‌های ساختاری، فضایی و جوی می‌داند که انسان از طریق ادراک، جهت‌یابی و شناسایی به آن نایل می‌گردد» (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بسیاری از ساکنان جوامع مدرن، زمانی نسبت به مکان احساس تعلق پیدا می‌کنند که چندین دهه در آن زندگی کرده باشند. حس مکان زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به دلایلی، ریتم‌های معمول زندگی به هم بخورد؛ این نکته که مکان‌ها برای مردم واجد معنی هستند حقیقتی جهانی است ولی متأسفانه همانطور که شولتز یادآور می‌شود، امروزه به‌رغم در اختیار داشتن کلیهٔ تجارب بشری و امکانات، یا ما آنها را نمی‌بینیم یا مجموعه محدودی از معانی را از میان آنها انتخاب می‌کنیم. با این باور که واقعیت مطلق را کشف کرده‌ایم (پرتوی، ۱۳۹۲: ۱۲۹).

در عکس شمارهٔ ۱ از هنری وسل جونیور (۲۰۱۸ -۱۹۴۲)، عکاس مکان‌نگاری نوین آمریکایی که صحنه‌های بومی در غرب آمریکا را عکاسی کرده است، عملکرد انسان در ساخت‌وساز به گونه‌ای است که در آن محیط دچار نقصان است و هماهنگی و کارکرد لازم را ندارد. این مکان تازه ساخته شده نشان از عدم درک نسبت به هویت مکان طبیعی و انتخاب سازه نامناسب با آن را دارد. بین حس مکان و هویت فرهنگی ارتباط وجود دارد. در این تصویر حس غریبگی و عدم تعلق خاطرنسبت به محیط، ارمغان نبود هویت فرهنگی است که بر اثر گذشت زمان بدست می‌آید.

۲. ساختار مکان انسان –ساخت

ساختار مکان باید بر حسب چشم‌انداز و قرارگاه توضیح داده شود و به وسیلهٔ مقولات فضا و خصلت مورد تحلیل قرار گیرد. در حالی‌که فضا بر سازمان سه بعدی

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]



تصویر شماره ۱. هنری وسل جونیور Url2

عناصری که مکان را می‌سازند اشاره دارد، خصلت بر جوّ کلی‌ای که جامع‌ترین خاصیت هر مکان است اشاره می‌کند. البته این امکان هست که به جای تمایز میان فضا و خصلت، مفهوم جامعی چون فضای زیسته را به کار بگیریم (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۸: ۲۴). پرتوی ساختار مکان را اولین گام تمایز بین پدیده طبیعی و پدیده ساخت بشر می‌داند و در ادامه ساختار مکان را از دیدگاه نوربرگ-شولتز این‌گونه بیان می‌کند: مجتمع‌های زیستی و چشم‌اندازها با هم در یک ارتباط شکل ـ زمینه‌ای قرار دارند، هر نوع مکان محصوری به منزلهٔ یک شکل با توجه به زمینه بسط یافته چشم‌انداز، واجد معنا می‌گردد. بنابراین، اگر این ارتباط خدشه‌دار شود، مجتمع‌زیستی هویت خود را از دست می‌دهد. همان‌گونه که چشم‌انداز نیز هویت خود را به عنوان یک امتداد جامع از دست می‌دهد (پرتوی، ۱۳۹۲: ۸۰).

استیفن شور (-۱۹۴۷) متأثر از فرهنگ پاپ، معمولاً خیابان‌های شهری در کارخانجات مناطق در حال توسعه را نشان می‌دهد. در عکس‌های او رنگ مشخصاً نقش مهمی ایفا کرده و اطلاعات مهمی در رابطه با فرهنگ حاکم بر جامعه به ما می‌دهد (لنگفورد، ۱۳۹۵: ۱۹۹). در آثار شور مفهومی از زیستگاه را می‌توان درک کرد. او که خودش هم در عکس‌ها حضور دارد، صادقانه فرهنگ مردم پیرامونش را که در پی شهرنشینی هویت بومی آنها مورد حمله ساخت‌وسازها قرار گرفته، به نمایش می‌گذارد. در تصاویر شمارهٔ ۲ و۳ آنچه که توسط او از شهری با فرهنگ پاپ درک شده دیده می‌شود. در این تصاویر فضا برای ما معنادار نیست و به راستی درکی از زیستگاه در این شهر دریافت نمی‌شود. به این ترتیب ساختار مکان و در نتیجه هویت مکان از بین رفته است. چشم‌انداز طبیعی دستخوش تغییر بوسیلهٔ سازه مصنوع قرار گرفته، لذا هم چشم‌انداز و هم فضای زیستی ساختار خود را از دست داده‌اند. انسان خواسته و ناخواسته به سوی مکان‌هایی با منظری از آب و درخت و کوه جلب می‌شود اما در مناظر معاصر گاهی جای این عناصر خالی است و فقط ساخت‌وساز انسان - ساخت دیده می‌شود و آن‌گونه است که با ساخت سازهٔ مصنوع، هماهنگی و ریتم طبیعت بر هم خورده و نظم جدیدی حاکم شده است.

۳. کاراکتر مکان

شولتز معتقد است مکان نتیجهٔ فضا بانضمام کاراکتر است او همچنین بیان می‌کند که تغییر فضای یک مکان، اساس کار معماری است (Najafi & Sheriff, 2011:187). مداخله انسان می‌تواند در ماهیت مکان تأثیر بگذارد و در آن شکل بدهد. از نظر او مکان‌ها اساساً همان چیزی هستند که هستند، این امر به دلیل کیفیت ذاتی موجود در محیط فیزیکی و محل است. لذا مداخلهٔ انسانی در مکان زمانی بیش از همیشه موفق خواهد بود که بتواند ابتدا کاراکتر اصلی مکان را بشناسد و پیرو آن محیط‌هایی انسانی ایجاد نماید که با این کاراکتر بیشتر

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]



تصویر شمارۀ۲، استیفن شور، بلوار بورلی و کوچه لابرا، لس آنجلس، کالیفرنیا۱۹۷۵ Url3



تصویر شمارۀ ۳، استیفن شور، تگزاس، ۱۹۷۵ Url4

هماهنگ باشند تا آنکه ناسازگار تحمیلی و دیکتاتور مآبانه (پرتوی، ۱۳۹۲: ۷۴). کاراکتر مکان با احساس راحتی و صمیمیت همراه است. به گونه‌ای که انسان بتواند با آن مکان ارتباط خوبی برقرار کند. به عبارتی فرم و محتوا باید یکدست و هماهنگ باشد تا در آن مکان احساس راحتی و تعلق خاطر داشته باشیم. مکان‌ها بر طبق کارکردشان باید معنا دهند.

انسان نیاز به مکانی برای زیستن دارد و مکان جاییست که عناصر طبیعی و دست‌ساز انسان با هم یک ترکیب را شکل می‌دهند. کاراکتر مکان جایی است که چیزها با هم و در کنار هم معنا می‌یابند: صخره، درخت، آب و ... در کنار هم مکانی را شکل می‌دهند. گاهی ممکن است فضا با یک کاراکتر خود را به عنوان مکان بقبولاند. گاهی حتی یکی از این دو (فضا و کاراکتر) برای شکل دهی به مکان بسنده می‌کنند و گاهی هیچ‌کدام به کار نمی‌آیند. جایی کاراکتر مکان مطلوب می‌شود که تجسم و تخیل تبدیل به مهم‌ترین معنای عینیت به مکان می‌شود. ترکیب نمادپردازی و طبیعت به بهبود کاراکتر مکان منجر می‌شود (cody&siravo, 2019: 33).

عکس شمارۀ ۴ از لوییس بالتز (۲۰۱۴-۱۹۴۵) با تأکید بر پدیدۀ صنعتی شدن شهرها (مکان) از خانه‌های خشک و بی روح و یک شکل، در پی منتقل کردن حس زمختی و خشنی از این مکان‌ها است. به بیان این عکس، خطوط و سطوح خشک و زاویه‌دار که به دوردست می‌گریزند، نشان از عدم کشش لازم برای همزیستی انسان با این سازه‌های مدرن دارد چرا که حس تعلق خاطر و رضایت از حضور و راحتی و صمیمیت در مکان دیده نمی‌شود. خاک برهم ریخته نشان از تخریب دیگری از طبیعت است. در این تصویر به وضوح مداخله تحمیلی انسان در طبیعت که با حضور و امنیت انسان هم‌خوانی ندارد و در عین حال مکان دست‌ساخت بشر دیده می‌شود و عناصر طبیعی و دست‌ساز در کنار هم نامتعارف هستند.

۴. روح مکان

به زعم شولتز، ویژگی و خصلتی خاص است که به مکان روح و زندگی می‌بخشد، این ویژگی‌ها می‌تواند اکتسابی و یا ذاتی باشد. او در این باره در کتاب *روح مکان* شرح می‌دهد: «هنرمندان و نویسندگان از خصلت محلی الهام گرفته و با مراجعه به مناظر و محیط شهری پدیدارهای زندگی روزانه را در قالب هنر شرح داده‌اند. از این جهت گوته[۲۵] می‌گوید: بدیهی است که چشم از چیزهایی که از دوران کودکی می‌بیند، می‌آموزد و از این رو نقاشان ونیزی می‌بایست همه چیز را روشن‌تر و با لذت بیشتری نسبت به دیگر مردمان ببینند» (نوربرگ -شولتز، ۳۴:۱۳۸۸). بدین‌سان کودک بر محیط آگاه می‌گردد، و شاکله‌های دریافتی را که تعیین‌کنندۀ تمامی تجربه‌های آینده‌اند بسط می‌دهد. شاکله‌ها همان‌قدر که در برگیرنده ساختارهای جهانی هستند که میان بشری‌اند، ساختارهای محلی معین و قراردادی- فرهنگی

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]



تصویر شماره ۴. اثر لوییس بالتز. Url5

را نیز شامل می‌گردند. ما در می‌یابیم که شناخت انسانی تا حدود زیادی تابع مکان‌ها و چیزها در واقع شناخت انسانی متضمن شناخت مکان است (همان ، ۳۸).

نوربرگ-شولتز بحث بحران مکان در شهرسازی را مطرح می‌سازد. هنگامی که تمرکز روی هویت یا روح یک مکان وجود نداشته باشد مکان از دست رفته و بی‌هویت و معنا می‌شود. در نظر نگرفتن شهر به عنوان مکانی جزء طبیعت و مکان‌هایی برای زندگی مشترک و ساختمان به عنوان مکان فرعی بدین معنا است که انسان هم‌زمان درگیر میان فردیت و تعلق است. در این شکل از زندگی رابطه با زمین و آسمان از بین رفته و ساختمان‌های مدرن در «هیچ مکانی» نه به عنوان منظره و نه به عنوان مکان معنادار و منسجم فاقد هویت بایسته هستند.

نوربرگ-شولتز در کتاب خود در باب معماری شرح می‌دهد که «حذف و از دست دادن اشیا و مکان‌ها باعث از بین رفتن و بی معنا شدن «جهان مکانی» و جهانِ مألوف می‌شوند» (Wilken 2013:5,).

عکاسان مکان‌نگاری نوین برای ثبت مناظر از دست رفته و مکان‌های طبیعی، دست به ثبت تصاویری ماندگار از محیط پیرامون خود زدند. در عکس شمارهٔ۵ نیکلاس نیکسون (۱۹۴۷) منظره شهر را از بالا نگاه کرده است. شهر از منظر نیکسون این قابلیت را دارد که نگاه خالق خویش را در جهان اطراف برتری دهد. گویی عکاس تنها تحت تأثیر رویدادهای زندگی روزمره قرار ندارد بلکه با نگاه خود، هویت و چیستی آنها را تعیین می‌کند. ویژگی خاص این تصاویر داشتن زاویه دید متفاوت نسبت به محیط زیست انسانی در شهر است. نیکسون به جای آنکه با عکاسی کردن از زاویه دید معمولی انسان را در محاصره ساختمان‌های غول‌پیکر بوستون تصویر کند، به ارتفاع بالاتر رفته و عکس‌های خویش را با زاویه ای مسلط تهیه کرده است (ملکان، ۱۳۹۵: ۷۹).

در این عکس سازه‌ها خود را بر مکان تحمیل کرده و روح مکان دیده و حس نمی‌شود. آسمان‌خراش‌ها تا لبالب پر شده‌اند آسمان و طبیعت زیبای شهر بوستون از بین رفته و حس نا امنی و بیگانگی دریافت می‌شود.

انسان برای بهتر زیستن نیازمند شناختن روح مکان و درک خصوصیات مکان و ساخت آن مطابق خصلت‌های وجودی‌اش است. به عبارتی می‌توان گفت در عکاسی مکان‌نگاری نوین هنرمند دید و شناخت خود را نسبت به محیط و محیط زیست را ثبت کرده است. در واقع، نگاه انسان به مکان می‌تواند بیانگر نگاه او به جهان باشد و جهان ذهنی یا اومولت[۲۶] او را نمایش دهد. از دید نظریهٔ یاکوب فن اوکسکول (۱۹۶۴-۱۰۴۴) ارگانیسم‌ها از جمله انسان می‌تواند اومولت خاص خود را داشته باشند در حالی‌که محیط مشترک دارند.«... اومولت دنیای نشانه‌ایی یک ارگانیسم است و تمام جنبه‌های

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]



تصویر شمارهٔ ۵، نمایی از شهر بوستون. نیکلاس نیکسون Url6



تصویر شمارهٔ ۶ فرانک گوهلکه Url7

معنا دار جهان برای یک ارگانیسم مشخص را در بر دارد» (پاکتچی، ۱۳۹۰ : ۱۶). مکان‌نگاری نوین اومولت هنرمند به عنوان انسان معاصر، نسبت به محیط اوست و لذا می‌توان در جستجوی معنای این نگاه بود.

۵. روح مکان طبیعی؛ منظره کیهانی

منظرهٔ کیهانی در دسته‌بندی روح مکان طبیعی طبق نظر شولتز این‌گونه است: در بیابان، پیچیدگی‌های زیست جهان عینی به پدیدارهایی ساده و محدود کاهش می‌یابند. گسترش نامحدود زمین بی‌حاصل و یکنواخت؛ طاق عظیم و محیط آسمانِ بی‌ابر، خورشید سوزان که نوری کم و بیش بی‌سایه ایجاد می‌کند، هوای خشک و گرمی‌که از اهمیت تنفس در تجربه مکان حکایت می‌کند. (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۸: ۶۸)

رابرت آدامز (- ۱۹۳۷) در عکس‌هایش تأثیر حضور انسان در طبیعت را به نمایش گذاشته است. عکس شمارهٔ۷ یاد آور آراء شولتز درباره مناظر کیهانی است که در آن وسعت منظره‌ای بیابانی، ساده، نامحدود، یکنواخت و خنثی به نمایش گذاشته شده است. نکته بارز در این عکس دیدن ردی از انسان و نه خود انسان است. در این منظره طبیعت متنوع نیست، زمین خشک، بی‌حاصل، یکنواخت و بی انتها است. این عکس یادآور تعبیر «فضا شدگی مکان ومکان شدگی فضا» است جایی که مکان از سوژه فاصله می‌گیرد و در حین تحقق این فاصله با عناصر هم جنس خود هم جوار می‌شود تا جایی که قدرت تمایز عناصر مکانی از یکدیگر به دلیل هم‌پوشانی کاهش می‌یابد» (شعیری، ۱۳۹۷: ۲۴۱).

۶. روح مکان طبیعی؛ منظره مرکب

منظرهٔ مرکب بر طبق تعریف شولتز از منظر روح مکان طبیعی ترکیبی از چشم‌اندازهای کلاسیک رومانتیک و کیهانی است. آنها که حاصل رابطه بنیادین زمین و آسمان‌اند، مقوله‌های مرتبطی هستند که می‌توانند ما را در فهم روح مکان‌یاری سازند (نوربرگ-شولتز: ۱۳۸۸: ۶۷).

در عکس شمارهٔ ۸ از جو دیل (۲۰۱۰- ۱۹۴۷) بر طبق دسته‌بندی مناظر شولتز منظرهٔ مرکب دیده می‌شود. دشتی وسیع که آسمان ندارد. مکانی طبیعی و دست نخورده که مردم شهری با رسوخ به آن منطقه، دست به ساخت و ساز زده‌اند. به گفته شولتز در کتاب *روح مکان*: «مردمانی که متعلق به دشت‌های بزرگ هستند زمانی‌که مجبور به زندگی در سرزمینی تپه‌ای باشند به تنگناترسی دچار می‌شوند و کسانی که عموماً در فضاهایی صمیمی محصور هستند به سادگی گرفتار برون هراسی می‌گردند» (نوربرگ- شولتز: ۱۳۸۸: ۷۳). تا چشم کار می‌کند دشت است، خانه‌ای در این بیکران

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]



تصویر شمارهٔ۷. رابرت آدامز، از کتاب غرب میسوری، Url8 1980

تداعی منظره کلاسیک است، اما جنگ میان بیکرانی و سازه‌های دست‌ساز انسان و مکان‌شدگی آن توسط عکاس این تضاد و جدال بی امان را به رخ می‌کشد.

۷. روح مکان طبیعی؛ منظره رمانتیک

در تعریف منظرهٔ رمانتیک از نگاه شولتز آمده است: بستر زمین به‌ندرت پیوسته است اما بخش و ده و برجستگی‌های متنوعی دارد؛ صخره‌ها و حفره‌ها، بیشه زارها، چمن‌زارها جملگی خرده ساختارهای غنی‌ای را به وجود می‌آورند. آفتاب نسبتاً کم است و نمایشی متنوع از نقاط نور و سایه را به وجود می‌آورند. کیفیت هوا مدام از غبار مرطوب تا هوای پاک تازه و شاداب تغییر می‌کند (نوربرگ-شولتز، ۱۳۸۸: ۶۶).

در تصویر شمارهٔ۱۰ فرانک گوهلکه (- ۱۹۴۲) روح مکان طبیعی در محیطی مملو از تغییر، تنوع و جزییات محیطی و تأثیر انسان بر طبیعت را نشان داده است که در دسته‌بندی مناظر رومانتیک جای می‌گیرد. شاید بتوان گفت طنزی تلخ در این تصویر نهفته باشد و آن اینکه در این عکس درختان بریده شده در جنگل با زبان تصویر به ما می‌گوید که آنها زمانی بوده‌اند و هشدار می‌دهد که به زودی بقیهٔ درختان در انتهای کادر را نخواهیم دید. در مناظر رمانتیک، که راهی است برای فهم بیشتر روح مکان طبیعی، شاهد آسمانی ابری و مه آلود، فضایی اسرارآمیز با نور کم و زمینی متنوع از گونه‌های گیاهی هستیم که در این تصویر آنها از بین رفته‌اند.

نامکان در مکان‌نگاری نوین

نامکان placelessness از اصطلاحات پدیدارشناسی مکان از ادوارد رلف است که اگر چه جزو آراء شولتز نیست اما در پدیدارشناسی مکان امروزی جایگاه ویژه و در دوران معاصر وعکاسی مکان‌نگاری نوین مصادیق متعددی دارد. به طور کلی رلف اشاره می‌کند که نامکان، از کیچ- هنرهای بی محتوا و پر زرق و برق، پذیرش غیرقانونی ارزش ها یا روش تولید انبوه- ناشی می‌شود و این یک نگرانی اساسی در مورد مفید بودن و کارایی است که خود به عنوان یک هدف تلقی شده است. تأثیر کلی این دو نیرو، از طریق فرآیندهایی مانند ارتباط جمعی، فرهنگی و مرجع قدرت مرکزی آشکار می‌شود. نامکان یک جایگزین فرعی برای مکان‌های مختلف و مهم جهان جهت تضعیف معنای مکان برای افراد و فرهنگ‌ها، با فضاهای بی‌هویت و محیطی بی‌ثبات است» (Seamon, Jacob, 2008: 4). به نظر نگارندگان مقاله حاضر، ایده مکان و نامکان رلف تکمیل کننده پدیدارشناسی مکان در دوران معاصر و در عکاسی مکان‌نگاری نوین است. او که با آراء شولتز آشنا و همدوره

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]



تصویر شماره ۸، جو دیل۱۹۷۴ Url9

با اوست، از قول شولتز در کتاب *مکان و نامکان* می‌نویسد: «ما در حال ایجاد یک فضای مسطح و فاقد عمق هستیم که فقط امکاناتی را برای تجارب ساده و مشترک و موارد غیر اختصاصی فراهم می‌کنیم» (Relph: 1976: 85).

رلف از دید پدیدارشناسی، مکان را به عنوان آمیزش انسان با طبیعت تعریف کرد. او بر این عقیده است که، که مکان‌ها مرکز تجربه از جهان هستند. در ادامه رلف می‌گوید مکان فعل و انفعالاتی از سه خصوصیت: امور فیزیکی، فعالیت و معناست . او می‌گوید مکان معانی مختلفی دارد می‌تواند یک اتاق کوچک یا یک قاره بزرگ باشد. مکان حس امنیت به شما می‌دهد انسان‌ها علاقه به مکان‌هایی دارند که حس مکان قوی‌ای برای آنها ایجاد کند. افسانه‌ها سنت‌ها و نمادها به ایجاد حس مکان قوی کمک می‌کند (Najafi & Shariff, 2011:108).

مطالعهٔ پدیدهٔ مکان بدون توجه به نامکان که با قلع و قمع اتفاقی مکان‌های شاخص و یکسان کردن چشم اندازها که ناشی از نوعی عدم حساسیت به مکان است دور از واقعیت خواهد بود. داریوش شایگان فضا در غرب را این‌گونه توصیف می‌کند: «در غرب محتوای خود فضاست که از حضور انسان تهی شده است. انگار که آدمی با محیطی خالی از هر نوع محتوای عاطفی و تهی از اقلیم حضور سرو کار دارد. همچون انسان تکثیرپذیر



تصویر شماره ۹، لوییس بالتز Url10

و منعطف که نتیجه بی‌محتوایی اوست فضا نیز یکسره متجانس و یکدست شده است» (بیگلو، بزرگمهر، ۱۳۹۷: ۱۷).

هیلا (۲۰۱۵- ۱۹۳۴) و برند بخر زوج آلمانی (۲۰۰۷ - ۱۹۶۱) با سبک عکاسی سرد، مفهومی تازه به مکان‌نگاری نوین بخشیدند. «آنها از ساختارهای صنعتی مانند برج های آب[۲۷] عکاسی کردند. نگاه آنان به عکاسی آنتی مدرن بود» (لانگفورد، ۱۳۸۶: ۲۲۰). آنها نگاهی دوباره به مکان داشته، معماری را مکان‌مند و تبدیل به شی‌ای برای بررسی می‌کنند. مکان از نظر آنها دارای ویژگی دوباره نگریستن است. انسان در تصاویر پایگاه وجودی ندارد پس مکان هویت ندارد و به نوعی نا مکان دیده می‌شود. از آنجا که جامعهٔ صنعتی با روح انسان ناسازگار است پس در این مکان‌ها هویت افراد با صنعت و با هویت مکان یکی می شود و در نهایت ناسازگاری با فطرت انسان نمایان شده و انسان معاصر با این سازه ها هم هویت و وارد نامکان شده است. اینها بیانگر این است که عاطفه و حس نسبت به مکان از بین رفته که در نتیجه بی هویتی و بی مکانی را به ارمغان می آورد و بالعکس. در اوایل قرن بیستم و با مدرنیته انسان حضور خود را در لحظه از دست داد و درگیر سرعت، زمان و تکنولوژی شد و خالی از عاطفه باقی ماند. نامکان جایی است که هویت از آن گرفته شده، بی شکل و فقدان مقیاس انسانی است. نامکان جایگاه زندگی نیست.

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]



تصویر شماره۱۰، فرانک گوهلکه Url11

نتیجه‌گیری

مکان جایی است که با شاخصه‌هایش برای انسان پناه و مامن ایجاد می‌کند. آگاهی بر این شاخصه‌ها می‌تواند به رشد شناخت انسان از خودش و جهان پیرامونش کمک کند. پس وجود این مأمن همچنان که آب برای حیات ضروری است، برای پرورش و رشد روحی انسان نیز واجد معنا است.

در این پژوهش سعی شده است ویژگی‌های مکان مناسب برای زیستن از دیدگاه پدیدارشناسی مکان بویژه آراء شولتز بیان و بررسی شوند و در مقایسه با مکان‌هایی



تصویر شماره ۱۱، برج‌های آب، برند و هیلا بخر Url12

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

که بشر امروزی برای خود ساخته است، با دیدگاه عکاسان مکان‌نگاری نوین بررسی شود. در واقع نگاه انسان به مکان می‌تواند بیان نگاه او به جهان باشد و جهان ذهنی یا اومولت او را نمایش دهد. به نظر می‌رسد بیشترین آراء شولتز در بیان ویژگی‌های روح مکان است در واقع او اهمیت مکان و حس آن را یاد آور می‌شود. منظره و مکان کلاسیک و ایدئال در آراء شولتز در مکان‌های مورد نظر امروزی دیده نمی‌شود. همچنین اگرچه شولتز مستقیم به نامکان نپرداخته است اما در پدیدارشناسی که توسط رلف در کتاب *مکان و نامکان* مطرح شده، به وفور می‌توان نامکان را در عکس‌های معاصر از مکان نگاران نوین دید.

آنچه در تصاویر عکاسان مکان‌نگاری نوین دیده می‌شود، ساخت مکان‌هایی برای زندگی با تخریب طبیعت است. در میان همه این آثار رد پای انسان مهاجم به طبیعت دیده می‌شود. نبود شاخصه‌های مکان مناسب تا بدانجا پیش می‌رود که تناسب‌های تاریخی و سنتی طبیعت با اجزای خودش به کلی از ذهن انسان معاصر رخت بر می‌بندد و با نا هماهنگی و نبود موازنه با ریتم طبیعت نامکان گسترده می‌شود.

تصاویر گرفته شده از عکاسان مکان‌نگاری نوین ممکن است نازیبا باشند اما به نظر می‌رسد در این نازیباییِ بوجود آمده توسط بشر، شولتز و عکاسان هم نظر هستند. معمارانی که دست به ساخت چنین بناهایی در فضا زده‌اند مکان را ایجاد کرده‌اند از طرفی عکاسان با تصویر گرفتن از این فضاها آن را مکان‌مند کرده و به تاریخ مکان افزوده‌اند و لذا به مکان معنا بخشیده‌اند.

پی‌نوشت

1. Topography
2. Joseph Nicéphore Niépce (1765-1833)

مخترع فرانسوی عکاسی. نخستین عکس ثبت شده جهان به نام او است.

3. NewTopography
4. phenomenology of place
5. Christian Norberg-Schulz(1926-2000)

معمار و پدیدارشناس نروژی

6. Edmund Husserl (1859-1938).

فیلسوف آلمانی ـ اتریشی و بنیانگذار پدیدارشناسی

7. Martin Heidegger (1889-1976)

فیلسوف معاصر آلمانی

8. Edward Relph (1944-)

جغرافیدان برجسته کانادایی

9. Hegel (1770-1831)

فیلسوف آلمانی پدید آورنده ایدئالیسم آلمانی

10. Genius loci

یک مفهوم رومی است. طبق باور باستانی روم هر موجود مستقل روح محافظ خود است. این روح به مردم و مکان‌ها زندگی می بخشد. (شولتز، ۱۳۸۸: ۳۴)

11. pragmatisem space
12. perceptual space
13. existential space
14. cognitive space
15. William Jenkins

کیوریتور امریکایی

16. Robert Adams (1937-)

عکاس مطرح امریکایی

17. Lewis Baltz (1945-2014)

عکاس مطرح امریکایی

18. Joe Deal (1947-2010)
19. Frank Gohlke (1942-)

عکاس منظره امریکایی

20. Nicholas Nixon (1947-)

عکاس معروف مستند و پرتره

21. Stephen Shore (1947-)

عکاس امریکایی

22. Henry Wessel Jr.(1942-2018).
23. Hilla/ Becher (1934-2015)

دو عکاس آلمانی و پدید آورندگان مکتب دوسلدورف و عکاسی سرد

24. Bernd Becher
25. Goethe
26. Kimwelt
27. Water Tower

کتابنامه

بیگلو، مرتضی و بزرگمهر، شیرین (۱۳۹۷)، «بررسی پدیدار شناسی مکان و نامکان در دو نمایشنامه پلکان و سنگ روی سنگفرش خیس اکبر رادی»: *هنرهای زیبا*، ش۳ دوره ۲۳ ،

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

(صص ۱۵-۲۴)
پرتوی، پروین. (۱۳۹۲) *پدیدار شناسی مکان*، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر
ذاکری ، محسن. (۱۳۸۸) «روح مکان: به سوی پدیدار شناس معماری»، کتاب *ماه هنر* ، ش ۱۳۷، (صص۵۶-۶۱)
ریخته‌گران، محمد رضا. (۱۳۸۰) *پدیدار شناسی و فلسفه‌های اگزیستانس: به انضمام شرح رساله‌ای از مارتین هایدگر*، تهران: موسسهٔ دانش و پژوهش ایران
ساسانی ، فرهاد (۱۳۹۰) *مجموعهٔ مقالات نشانه‌شناسی مکان: تحلیل نشانه شناختی هویت دوگانه در یک محله شهری و کارکردهای آن*: مطالعه موردی محله رستم‌آباد فرمانیه، احمد پاکتچی، تهران: انتشارات سخن
شعیری، حمید رضا. (۱۳۹۷) *نشانه معناشناسی دیداری*، چ۲ ، تهران: انتشارات سخن
-نوربرگ-شولتز، کریستیان (۱۳۸۸)، *روح مکان*، ترجمه محمدرضا شیرازی تهران: انتشارات رخ داد نو
-فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵) «مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن»، *هنر زیبا*، ش۲۶، (صص۶۷-۷۷)
کاشی، حسین، بنیادی، ناصر. (۱۳۹۲)، «تبیین مدل هویت مکان- حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن»، *هنرهای زیبا معماری و شهرسازی*، دورهٔ ۱۸، (ص ۴۳-۵۲)
-لنگفورد، مایکل. (۱۳۸۶) *داستان عکاسی*، ترجمهٔ رضا نبوی، افکار
میر غلامی، مرتضی، آیشم، معصومه. (۱۳۹۵) «مدل مفهومی ارزیابی حس مکان براساس مؤلفه های کالبدی، ادرا کی،عملکردی و اجتماعی»، فصلنامه *علمی پژوهشی مطالعات شهری*، ش۱۹ (صص: ۶۹-۷۹)
ملکان، علیرضا. (۱۳۹۵)، *مکان‌نگاری عکاسانه خاستگاه‌ها و رویکردها*، نشر نظر
مقیمی، مهران، «فضا مکان و قاب در عکاسی منظره معاصر»، کارشناسی ارشد، رشته عکاسی، دانشگاه هنر، دانشکده پردیس بین المللی فارابی،۱۳۹۶
ولز، لیز. (۱۳۹۰) *عکاسی: درآمدی انتقادی*، ترجمهٔ مهران مهاجر و دیگران، مینوی خرد
هایدگر و دیگران (۱۳۷۷)، فلسفه تکنولوژی، ترجمهٔ شاپور اعتماد، تهران: نشر مرکز
Hashemnezhad, Hashem. Heidari, Ali Akbar. Mohammad Hoseini. Parisa (2013). "Sense of Place and Place Attachment", International Journal of Architecture and Urban Development, Volume 3, No. 1.
Hashemnezhad, Hashem . Yazdanfar, Seyed Abbas. Heidari, Ali Akbar. Behdadfar, Nazgol (2013). "Comparison the Concepts of Sense of Place and Attachment to Place in Architectural Studies" . Journal of Society and Space 9 issue 1 pp.107 – 117.
Hay,Robert (1998). Sence of Place in Developmental Contex. Journal of Environmental Psycology pp 5-6.
larice, Michael. MacDonald, Elizabeth (2013). *The Urban Design Reader*, Second Edition. Routledge Published in USA & Canada.
M, Najafi. M.K.B.M. Shariff (2011). "The Concept of Place and Sense of Place in Architectural Studies". International Journal of Human and Social Science, Volume 6.No.3. pp. 187-193.
Nik Mohammad, Nik Mastura. Saruwono, Masran. Yani Said, Shahrul. Wan Hariri, Wan Ahmad Halawah (2013). "A Sense of Place Within the Landscape in Cultural Settings". *Procedia -Social and Behavioral Sciences* 4-6 September, pp.505-512.
Relph, Edward (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
Seamon, David. Sowers, Jacob (2008). *Place and Placelessness*, Edward Relph. London.
Wilken, Rowan (2013). "The Critical Reception of Christian Norberg-Schulz's Writings on Heidegger and Place", *Journal of Architectural*, Volume18.issue 3. pp. 340-355.
Cody, Jeff. Siravo, Francesco (2019), "Readings in Conservation Historic Cities", Getty Publication, Losangeles California. pp.31-33
Jive´n, Gunila. Larkham, Peter J (2003). "Sense of Place, Authenticity and Character: A Commentary, Journal of Urban Design", Volume 8, No. 1, pp.67–81.
Biglou, Morteza . Bozorgmehr, Shirin (2018). "Discussions of Phenomenological of Place and Placelessness in Two Plays of Stairs and Stone on Wet Stone :Performance Akbar Rady", Fine Art, No. 3, Volume 23, pp. 15-24
Cody, Jeff. Siravo, Francesco (2019) , "Readings in Conservation Historic Cities", Getty Publication,

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

Losangeles California. pp.31-33

Falahat, Mohammad Sadegh (2006) . “The Concept of Sense of Place and Its Forming Factors”, Fine Art, No. 26, pp. 67-77.

Hashemnezhad, Hashem. Heidari, Ali Akbar. Mohammad Hoseini. Parisa (2013) . “Sense of Place and Place Attachment”, International Journal of Architecture and Urban Development, Volume 3, No. 1.

Hashemnezhad, Hashem . Yazdanfar, Seyed Abbas2. Heidari, Ali Akbar3. Behdadfar, Nazgol4 (2013) . “Comparison the Concepts of Sense of Place and Attachment to Place in Architectural Studies” . Journal of Society and Space .No.1 pp.107 – 117.

Hay,Robert (1998). “Sence of Place in Developmental Contex”. Journal of Environmental Psycology pp 5-6.

Jive´n, Gunila. Larkham, Peter J (2003). “Sense of Place, Authenticity and Character: A Commentary”, Journal of Urban Design, Volume 8, No. 1, pp.67–81.

Heidegger, Martin (1998). Philosophy of Technology, Trans. Shapoor Etemad, Tehran: Markaz Publication.

Kashi, Hossein . Bonyadi, Nasser (2013). “Explaining The Model of Place Identity- Sense of Place and Examining Its Various Elements and Dimensions”. Fine Art of Architecture and Urbanism, Volume 18, pp.43-52.

Langford, Michael (2007). The Story of Photography, Trans. Reza Nabavi, Afkar Publication.

Malekan, Alireza (2016). Photographic Location of Origins and Approaches ,Tehran, Nazar Publication.

larice, Michael. MacDonald, Elizabeth (2013). The Urban Design Reader, Second Edition. Routledge Published in USA & Canada.

M, Najafi. M.K.B.M. Shariff (2011). “The Concept of Place and Sense of Place in Architectural Studies”. International Journal of Human and Social Science, Volume 6.No.3. pp.187-193.

Mir Gholami, Morteza. Aishm, Masoumeh (2016). “Conceptual Model of Sense Assessment Based on Physical: Administrative, Functional And Social Components”, Journal of Urban Studies, No. 19 Pp. 69-79.

Moghimi, Mehran. “Space, Place and Frame in Contemporary Landscape Photography”- M.Sc. in Photography, Faculty of Art, Farabi International Campus (2017).

Nik Mohammad, Nik Mastura. Saruwono, Masran. Yani Said, Shahrul. Wan Hariri, Wan Ahmad Halawah (2013). “A Sense of Place Within the Landscape in Cultural Settings”. Procedia -Social and Behavioral Sciences 4-6 September, pp.505-512.

Partovi, Parvin (2013). Phenomenology of Place, Tehran, Farhangestane Honar Publication.

Relph, Edward (1976). “Place and Placelessness”. London: Pion.

Rikhtehgran, Mohammad Reza (2001). Phenomenology and Philosophy of Existence: Including A Description of A Treatise by Martin Heidegger, Tehran, Iran Institute of Knowledge and Research.

Sasani, Farhad (2011). Proceedings of the Semiotics of Place: Analytical Analysis of Dual Identity in an Urban Neighborhood and Its Functions: A Case Study of Rostamabad-Farmaniyeh Neighborhood, Ahmad Pakatchi, Tehran, Sokhan Publication.

Seamon, David. Sowers, Jacob (2008). “Place and Placelessness”, Edward Relph. London.

Schulz, Christian Norberg (2009). The Sence of Place, Trans. Mohammad Reza Shirazi ,Tehran, Rokhdade No Publication.

Shairi, Hamid Reza (1397). Sign - Visual Semantics, Second Edition, Tehran, Sokhan Publication.

Wells, Liz (2011). Photography: Critical Introduser, Trans. Mehran Mohajer and Others, Minoo Kherad Publication.

Wilken, Rowan (2013). “The Critical Reception of Christian Norberg-Schulz’s Writings on Heidegger and Place”, Journal of Architectural, Volume18. issue 3. pp. 340-355.

Zakeri, Mohsen (2009). “The Sence of Place: To The Emergence of Architectural Identity”, Ketabe Mahe Honar, No. 137, pp. 56-61.

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]

Url 1 : http://pajoohe.ir/default.aspx Phenomenology
(دهقانی ناژوانی، فهیمه (۱۳۹۳) پدیدارشناسی، پژوهشکده باقرالعلوم)
Url2: https://www.moma.org/collection/works/145193
(تاریخ مشاهده: ۱۰-۱۲-۱۳۹۸)
Url3 https://www.moma.org/collection/works/165376
(تاریخ مشاهده:۵-۱۲-۱۳۹۸)
https://www.moma.org/collection/works/46476
(تاریخ مشاهده:۱۸-۳-۱۳۹۹)
Url 5 https://www.cca.qc.ca/en/articles/issues/11/nature-reorganized/176/the-new-industrial-parks-near-irvine-california
(تاریخ مشاهده:۵-۱۲-۱۳۹۸)
Url6 http://www.artnet.com/artists/nicholas-nixon/view-of-the-prudential-building-boston-a-yMryoaDReJihGDCjuWyurQ2
(تاریخ مشاهده:۱۱-۱۲-۱۳۹۸)
https://www.artsy.net/artwork/frank-gohlke-grain-elevators-minneapolis-minnesota
(تاریخ مشاهده:۱۸-۳-۱۳۹۹)
Url8 https://www.moma.org/collection/works/56688
(تاریخ مشاهده: ۵ -۱۲-۱۳۹۸)
Url9 https://www.artsy.net/artwork/joe-deal-untitled-view-boulder-city
(تاریخ مشاهده:۱۱-۱۲-۱۳۹۸)
Url10 https://loeildelaphotographie.com/fr/lewis-baltz-candlestick-point-2/#
(تاریخ مشاهده:۱۸-۳-۱۳۹۹)
Url11 https://www.artsy.net/artwork/frank-gohlke-looking-southeast-across-lahar-mudflow-six-miles-southeast-of-mount-st-helens
(تاریخ مشاهده:۱۱-۱۲-۱۳۹۸)
Url12 https://www.phillips.com/detail/bernd-and-hilla-becher/UK010117/10
تاریخ مشاهده:۱۱-۱۲-۱۳۹۸)

[Downloaded from kimiahonar.ir on 2026-11-06]